

راههای مقابله با اباحیگری

محمدتقی رکنی لموکی

کارشناس ارشد فلسفه غرب

و کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

مقدمه

در شماره پیشین بحثی دربارهٔ اباحیگری ارائه گردید. مهم‌ترین مسائلی که طرح شد، بدین قرار بود: اباحیگری به معنای عدم تقید به آموزه‌های دین است و این اندیشه با مبانی اسلام سازگار نیست. این پدیده هم در عصر ائمه معصومین (ع) طرفدارانی داشته و هم پس از آنان. هم اینک در کشور اسلامی ما نیز برخی مروج اباحیگری‌اند. از جمله مبانی فکری اباحیگری در عصر ما، برخی تفکرات غربی همچون لیبرالیسم و سکولاریسم است. در پایان بحث گذشته، تفکر لیبرالیستی و سکولاریستی را از زاویه شناخت مبانی اباحیگری، به نقد گذاشتیم. اینک با فرض اثبات مخالفت شریعت با اباحیگری، بر آنیم تا راههای مقابله با آن را باز شناسیم. با توجه به عوامل ترویج اباحیگری، که یا از درون جامعه اسلامی ظهور و بروز می‌کنند یا از بیرون، راهکارهای پیشنهادی را نیز به دو بخش تقسیم و هر یک را جداگانه بر می‌رسیم.

تحقیق خود را با این سؤال می‌آغازیم که اباحیگری چیست و اباحی‌گر کیست. اباحیگری با پشتوانهٔ مبانی نظری التقاطی، در حوزهٔ عمل رخ می‌نماید. در این ساحت، مباح انگاشتن بی حد و مرز افعال، شعار فرد اباحی مسلک است. او هر آنچه را عقلش پسندد، انجام می‌دهد، اگر چه از قلمرو دین خارج باشد. او دیگر نمی‌اندیشد که شرع چه می‌گوید؛ بلکه

می‌پندارد که خود چه می‌خواهد. مشرب اباحی گر، اباحه را به همه منهیات گسترش می‌دهد و تنها تعیین کننده منهیات و مکروهات و اصول و ارزشها را، عقل عملی و شرایط اجتماعی می‌داند.^۱

اباحی مسلک کسی است که مفهوم اباحه را با برداشتی تکلیف‌گریز، در تمامی عرصه‌های زندگی می‌گستراند و قلمرو آن را به حوزه‌های فکری، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی نیز می‌کشاند. نکته کلیدی این است که طرفداران اباحیگری، هیچ‌گاه تفکرات خود را، جدای از دین معرفی نمی‌کنند. آنان در عین حال که اظهار دینداری می‌کنند، در فکر و عمل به بایدها و نبایدهای دین پای بند نیستند. واجبات و فرائض دینی را یا به جا نمی‌آورند و یا به درستی به جا نمی‌آورند. محرمات دینی را نیز یا ترک نمی‌کنند و یا به تمامه ترک نمی‌کنند. آنان اهل تساهل و مدارای نا به جایند. معاصی را کوچک و ایمان را جدای از عمل می‌پندارند و در یک کلام، در مسیر راهی که خدا و پیامبرش (ص) برای هدایت بشر ترسیم کرده، به درستی ره نمی‌پویند.

حال باید اندیشید که برای جلوگیری از ترویج چنین پدیده‌ای چه راهکارهایی متصور است. برای فهم این مهم، ابتدا باید دانست که عوامل رشد و ترویج اباحیگری در جامعه اسلامی چیست. با اندکی تأمل آشکار می‌گردد که بخشی از این عوامل مربوط به مسائلی است که در قلمرو جامعه اسلامی پدید می‌آید و بخشی مربوط به مسائلی که از بیرون این قلمرو، نفوذ پیدا می‌کند. بر این اساس راهکارها را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: الف. راهکارهایی برای مقابله با عوامل درونی ب. راهکارهایی برای مقابله با عوامل بیرونی.

راهکارهای مقابله با عوامل درونی اباحیگری

ترویج اباحیگری و بی تفاوتی در درون قلمرو اسلام ممکن است در سه حوزه اندیشه، اخلاق و رفتار صورت پذیرد. از این رو، راهکارهای مقابله با آن نیز در این سه حوزه قابل طرح است. تمسک به آیات قرآن و گفتار و رفتار معصومین (ع) در ارائه این راهکارها، محور اصلی است.

۱. حوزه اندیشه: اگر بپذیریم که اندیشه هر ملتی، هویت آن ملت است و اگر اندیشه اصلاح شود، مردم نیز اصلاح می‌شوند، نخستین گام در برابر کژیها و نادرستیها، تبیین اندیشه صحیح اسلامی و زدودن تفکرات ناسالم از جامعه است. این امر خطیر که از آن می‌توان به

بصیرت دینی تعبیر کرد، می‌بایست وجه همت اندیشمندان و متفکرین دلسوز قرار گیرد تا با طرح مبانی اصیل اسلام، اجازه فعالیت را به اندیشه گران فرصت طلب ندهند. ناگفته پیداست، آحاد مردم، خصوصاً نسل جوان اگر نتوانند در میان هیاهوی تفکرات مدرن، صراط مستقیم هدایت را از زمزم علم عالمان و فرهیختگان دینی باز یابند، به طور طبیعی برای ارضای حس کنجکاوی خود به بیگانه روی می‌آورند بر این اساس لازم است در حوزه اندیشه دینی مردم و جهت‌دهی صحیح فکر آنان چاره‌هایی اندیشید و برنامه‌هایی ترتیب داد:

- تبیین صحیح جهان بینی الهی و ایدئولوژی اسلامی؛

- پیشگیری از بدعتهای فکری؛

- پاسخ‌گویی به موقع و متقن به شبهات و انحرافات عقیدتی؛

- تقویت باورهای دینی؛

- تبیین جایگاه ارزشهای الهی در سعادت انسان.

این برنامه‌ها در اصلاح اندیشه افراد و بصیرت آنان نقش دارند. ائمه معصومین (ع) نیز به نوع بینش و تفکرات جامعه حساس بودند و در مقابل انحرافات در این حوزه، از خود عکس‌العمل نشان می‌دادند. از جمله برنامه‌های این بزرگان برگزاری مجالس بحث و مناظره با شبهه افکنان و پاسخ‌گویی به انحرافات آنان بود. این نوع برخورد ائمه (ع) تأثیرات مثبت فراوانی در جلوگیری از ترویج باورهای غلط داشت. برای نمونه امام باقر (ع) در زمان امامت خود با کسانی همچون طاووس یمانی، قتاده، نافع بن آرزق، عبدالله بن نافع و عمرو بن عبید به بحث و گفت‌وگو می‌پرداخت و انحرافات فکری شان را گوشزد می‌کرد.^۲

امام صادق (ع) نیز با کسانی مانند ابوحنیفه^۳ از بزرگان فقهی اهل سنت و نیز عبدالله دبیضانی از دانشمندان ملحد^۴ آن دوران، همین شیوه را داشت. ایشان با حضور در مجالس علمی به بیان ادله مستحکم و پاسخهای قانع کننده می‌پرداخت.

امامان شیعه تلاش می‌کردند این روش را به شاگردان خود نیز بیاموزند. ابی‌الجارود از جمله شاگردانی است که در مکتب اهل بیت (ع) این گونه تربیت شد.^۵

این شیوه امروزه نیز کاربرد فراوان دارد و به خصوص آنکه ما در عصری زندگی می‌کنیم که به آن «عصر ارتباطات» می‌گویند. می‌توان با ابزارهای ارتباطی مدرن، نشستهای علمی و جلسات پرسش و پاسخ با حضور اندیشمندان توانا، شیوه بحث و مناظره علمی را به کار گرفت و برای تظهير اندیشه‌ها و جلوگیری از انحرافات فکری گام‌هایی مفیدی برداشت.

۲. حوزه اخلاق: رعایت کامل اخلاق اسلامی یعنی کسب فضایل انسانی و ترک رذائل حیوانی یکی دیگر از راههای جلوگیری از اباحی مسلکی است. در این حوزه توجه به آنچه در پی می آید، کارساز است:

- خودسازی؛

- احیای امر به معروف و نهی از منکر؛

- گسترش فرهنگ تشویق فعل اخلاقی؛

- گسترش فرهنگ نکوهش لا ابالی گری؛

- ایجاد حس مسئولیت فرد در قبال جامعه؛

- رشد و گسترش روحیه شجاعت، مقاومت و شهادت طلبی در مقابله با انحرافات؛

- ایجاد اعتماد به نفس و خود اتکایی دینی و ملی؛

- جلوگیری از افراط و تفریط در امر دین؛

- قاطعیت و جدیت در انجام فرائض و تکالیف الهی.

در دیدگاه اسلامی، اصلی ترین عامل انحراف انسان، پیروی از هوای نفس و امیال نفسانی است. از این رو، برای مقابله با اباحیگری شایسته است قبل از پردازش بیرون، پالایش درون مد نظر آید. بایدها و نبایدهای اخلاق - در بعد فردی و اجتماعی - می تواند جامعه را از لغزیدن به گرداب لا ابالی گری نجات دهد.

۱- ۲. بُعد فردی: تقوا و خودسازی، گام اول کنترل نفس و گرفتار نیامدن در دام توطئه ها است. قرآن کریم در این باره می فرماید:

کسانی که تقوا پیشه کنند، آن گاه که گرفتار وسوسه های شیطانی شوند، یاد خدا کنند؛ پس به یکباره آگاه گردند.^۶

و در جای دیگر می فرماید:

اگر تقوای الهی پیشه کنید، [خداوند] به شما قدرت تشخیص [راه سعادت] را می دهد.^۷

ائمه معصومین (ع) کوشیده اند در حیات طیبیه خود، به طور عملی چگونگی تربیت نفس و تزکیه اخلاق را به شیعیان خود بیاموزند. سجده های طولانی امام سجاد (ع) به درگاه ذات احدیت،^۸ ناله ها و گریه های عارفانه امام کاظم (ع) در گرفتاری و زندان،^۹ از جمله درسهای عملی ائمه (ع) در باب خلوص نیت و حصول تقوا است. شهید مطهری در این باره معتقد است که تقوا و خودسازی باعث می شود که انسان از موهبت افاضه تعلیم الهی بهره مند گردد و از کژیها و انحرافات باز ایستد.^{۱۰}

۲-۲. بعد اجتماعی: اخلاق اجتماعی، امری است پذیرفته شده در میان تمامی ملل. مراد ما از اخلاق اجتماعی، تقید اعضای جامعه به ارزشها و هنجارهای پذیرفته شده است. اسلام علاوه بر اینکه تخلق به اخلاق اجتماعی را از پیروان خود خواسته است، فرمان داده است آنان را که حریم اخلاق اسلامی جامعه را لکه دار می‌سازند، با تذکرات خود هدایت کنند. بدین سان، اگر شخصی با رفتار غیر اخلاقی خود هنجارهای جامعه را نادیده انگارد، بر دیگران تکلیف است که بدو تذکار و هشدار دهند. این تکلیف را در شرع، «امر به معروف و نهی از منکر» گویند. با این تعریف، می‌توان گفت که امر به معروف و نهی از منکر راهکار عملی جلوگیری از شیوع اباحیگری و بی‌دینی در جامعه است. قرآن کریم فریضه امر به معروف و نهی از منکر را همسنگ ایمان و یکی از دلایل برتری شریعت اسلام نسبت به دیگر شرایع دانسته، می‌فرماید:

شما بهترین امتی بودید که برای مردم ظاهر شده است [چه اینکه] امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.^{۱۱}

اولیای دین اهمیت ویژه‌ای برای این فریضه فائل بوده‌اند و نه تنها در مسائل اساسی بلکه در جزئیات نیز آن را ترک نکرده‌اند. این بزرگان همواره کوشیده‌اند امر به معروف و نهی از منکر را از نزدیکان و خانواده خود بیاغازند. در متون اسلامی روایات فراوانی در این باره وارد شده است. به عنوان نمونه، می‌توان از انتقاد شدید و عتاب آلود امام رضا(ع) به دو برادر خود ابراهیم و زید النار اشارت برد؛ برای عدم تقید آنان به تعالیم دین.^{۱۲}

حاصل آنکه رمز بقا و جاودانگی دین اسلام، کیفیت حفظ و نگهداری تعالیم آن است و تعالیم اسلام حفظ نخواهد شد مگر با عزم و اراده جمعی و ایجاد حس مسئولیت در فرد فرد امت.

روحیه ایثار و از خودگذشتگی تا سرحد شهادت، تضمین‌کننده تحقق اهداف و آرمانهای دینی است؛ چنان که امام سوم شیعیان، امام حسین(ع) برای حفظ دین جدش، مظلومانه به شهادت رسید؛ ولی به هدف خود دست یافت.

۳. حوزه رفتار: در قلمرو اسلام واپسین حوزه‌ای که ممکن است اباحیگری در آن بروز و ظهور کند، حوزه رفتاری است برای مقابله با رفتار بی‌مبالات‌گرایانه افراد در سطح جامعه، راهکارهای زیر کارساز می‌تواند بود:

- عینیت بخشی به حاکمیت دینی؛

- ترویج ارزشها و شعائر دینی؛

- شایسته سالاری؛

- پرورش مدیران لایق و متخصص؛

- نظارت بر رفتارهای فرقه گرایانه؛

- قاطعیت و سخت گیری در اجرای احکام الهی؛

- برخورد جدی با متخلفین.

کنترل و هدایت قانون مند رفتار مردم از اموری است که در سطح کلان حاکمیت مطرح می شود. از نظر گاه اسلام، توجه به نوع حکومت و نگاه حاکمان به آموزه های دینی، نقش تعیین کننده در چگونگی رفتار ملت دارد. به عبارت دیگر، جلوگیری یا ترویج اباحیگری رابطه ای مستقیم با نوع حاکمیت و چگونگی عملکرد حاکمان دارد. بدترین گونه اشاعه بی قیدی نسبت به اوامر الهی، آن است که از ناحیه حکومت و حاکم برخیزد. در فرهنگ قرآنی علت گمراهی بسیاری از کافران، که باعث خلود آنان در آتش می شود، اطاعت از سران و بزرگان منحرف است. آنان پس از آگاهی از وضعیت خود در دوزخ، حسرت می خورند که ای کاش به جای پیروی از رهبران فاسد، از خدا و پیامبرش اطاعت می کردند.^{۱۳}

الناس علی دین ملوکهم یتبعونه فی سیرتهم و سلوکهم
شه چو حوضی و آن خدَم چون لولها آب از لوله روان در کـــولها
خوی شاهان در رعیت جا کند چرخ اخضر خاک را خضرا کند^{۱۴}

پس از پای گرفتن حکومت الهی و روی کار آمدن حاکم بر حق، نقش کارگزاران صالح اهمیت خود را نشان می دهد. آنان امین حکومتند و مجریان قانون خدا در جامعه. اگر در حکومت اسلامی شایستگان و پرهیزکاران کناری نهاده شوند و زمام امور کار به دست کسانی افتد که در واجبات الهی اهل تساهلند و چشم بر انحرافات افراد می بندند وظیفه خود را به درستی انجام نمی دهند و تنها به منافع مادی خویش می اندیشند، چه جای تعجب که فساد در جامعه ریشه بدواند و گناه و معصیت رواج یابد؟! از این رو می بایست، کارگزاران حکومتی، علاوه بر کاردانی و نیز پای بندی به قوانین، دارای ملکه تقوا و پرهیز از معاصی باشند. علی (ع) برخی از ویژگیهای کارگزار حکومت اسلامی را این چنین بر می شمارد: خدا ترسی، پیروی از واجبات و سنتهای الهی، یاری دین خدا با دست و زبان، بازداری نفس از پیروی آرزوها، نیکوکاری، عدالت با مردم و خویشتن داری از حرام.^{۱۵}

رویارویی رفتارهای فرقه گرایانه از وظایف دیگر حاکمیت است. ظهور و بروز فرقه‌های مختلف و پیروی عده‌ای ساده اندیش از آنان، همواره خطری جدی است و عامل سقوط جامعه از ارزشهای الهی. این معضل که از عصر ظهور اسلام تا کنون همواره وجود داشت است، گاه با رویکردی افراطی و گاه با رویکردی تفریطی رخ می‌نماید. اولیای دین هیچ‌گاه فرقه‌گرایی را تأیید نکرده‌اند. پیامبر عظیم‌الشان اسلام و امامان معصوم (ع) هرگاه در عصر خود با این پدیده مواجه می‌شدند، با شیوه‌های متفاوت مقابله می‌ایستادند. شیوه‌های برخورد اولیای دین برای مواجهه با فرق ضاله را می‌توان در دو محور گنجانند: ایشان نخست به موعظه و ارشاد علمی منحرفین می‌پرداختند و اگر این شیوه کارگر نمی‌افتاد و احتمال سرایت افکار منحرفین به دیگر اعضای جامعه می‌رفت، استفاده از قوه قهریه مجاز شمرده می‌شد. امیرالمؤمنین علی (ع) در زمان حکومت خویش از هر دو شیوه بهره جسته است. این رفتار خردمندانه را می‌توان در برخورد ایشان با خوارج باز یافت: مرحله اول. با آنان با سعه صدر رفتار کرد و به مذاکره و ارشاد پرداخت. خوارج آزادانه سخن می‌گفتند و حضرت (ع) با استدلال پاسخ می‌داد. ایشان به خوارج تذکر می‌داد که شما را بر ما سه حق است، مادام که با ما مصاحبت می‌کنید، آن سه حق را ارج خواهیم نهاد؛ یکی اینکه شما را از مسجد منع نمی‌کنیم؛ دوم، سهم شما را از بیت المال قطع نمی‌کنیم؛ سوم، تا وقتی به جنگ برخاسته‌اید، با شما نمی‌جنگیم. با برخورد شایسته امیرالمؤمنین (ع) و سخنان روشن‌گر او بسیاری از فریب خوردگان خوارج به اردوی حق بازگشتند.^{۱۶}

مرحله دوم. امام (ع) از هدایت یافتن دیگر خوارج مأیوس شد و وجود آنان را مایه فساد و فتنه یافت. پس با آنان وارد جنگ شد. در این جنگ، که «نهروان» نام گرفت، کم‌تر از ده نفر از خوارج زنده ماندند و جملگی کشته شدند. علی (ع) در این باره می‌فرماید:

من بودم که چشم فتنه را در آوردم و جز من کسی دیگر جرئت آن نداشت، پس از آنکه ظلمت فتنه زد و به شدت خود رسیده بود، چنین کاری انجام دهد.^{۱۷}

در عصر دیگر ائمه نیز فرقه‌هایی نظیر مرجئه، صوفیه، غلات، واقفیه و غیره نیز وجود داشتند که مروج انحرافات فکری و عملی در جامعه بودند. امامان شیعه هرگاه مجال می‌یافتند، پیروان خود را از خطر فکری این گروه‌ها آگاه می‌ساختند برای نمونه، امام رضا (ع) در پاسخ به پرسشی در باره فرقه واقفیه می‌فرماید:

آنان از حق منحرف و آلوده به گناهند، اگر در این حال بمیرند، جایگاهشان دوزخ است، آنان کافر و مشرک و ملحدند. حتی دادن زکات به فقراشان جایز نیست.^{۱۸}

ادبیات سخت و قاطع امام (ع) گویای این حقیقت است که علاوه بر دو شیوه سابق الذکر مبارزهٔ دیگر هم مد نظر بزرگان دین بوده است و آن پرهیز دادن شیعیان بود از کوچک‌ترین اختلاط با گروهکهای منحرف.

راهکارهای مقابله با عوامل برون‌زای اباحیگری

پیش‌تر گذشت که عوامل ترویج اباحیگری یا درون‌زا است یا برون‌زا. آنچه تا کنون آمد، بخشی از راهکارهای مقابله با عوامل درون‌زای اباحیگری بود. اکنون نوبت آن است که به بررسی عوامل برون‌زا پرداخته، بخشی از راهکارهای مقابله با آنها را نیز ذکر کنیم. کارشناسان مسائل جهانی معتقدند رشد و آگاهی ملل مستضعف جهان، کشورهای استعمارگر را واداشته تا شیوه‌ای جدید برای رسیدن به اهداف سلطه‌جویانه خود در دستور کار قرار دهند. راهبرد جدید استعمارگران برای چپاول ملل مستضعف، «استعمار فرا نوین» نام دارد. این شیوه با چالشهایی که پیش روی کشورهای هدف می‌گشاید، نهایتاً به استعمار آنان می‌انجامد. در شکل قدیم استعمار، کشورهای قدرتمند سعی می‌کردند به گونه‌ای به کشورهای دیگر دست‌اندازی کنند و این شاید بیش از آن‌که به دلیل منافع اقتصادی باشد به خاطر ارضای قدرت‌طلبی‌ها انجام می‌شده اما هدف عمدهٔ استعمار جدیداً باید در زمینه‌های اقتصادی جستجو کرد. از این رو استعمار برای تأمین منافع دراز مدت خود باید در ابعاد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی نیز کارهایی انجام دهد. استعمارگران برای رسیدن به اهداف خود، فضای ملی خودشان را ناکافی دانسته در پی ایجاد یک فضای جهانی هستند. جهانی‌سازی آخرین مرحلهٔ استعمار نوین است.^{۱۹}

آنان در محور اقتصادی بدنبال رشد بازارهای مالی جهانی، رشد سریع شرکت‌های چند ملیتی، مراکز مالی جهانی و بدنبال آن نیروی فکری و مهارتی ارزان قیمت هستند. نتیجه‌ای که از جهانی شدن اقتصاد همهٔ کشورها حاصل می‌آید، غنی‌تر شدن کشورهای ثروتمند و دارای قدرت مالی و نیز فقیرتر شدن کشورهای جهان سوم است.

در بعد اجتماعی نیز گسترش سریع مهاجرتها، گسترش صنعت توریسم و گسترش نمادهای واحد، این امکان را به استعمارگران فرا نوین می‌دهد که الگوی زندگی غربی را به دیگر ملل تحمیل نمایند. استعمار فرا نو به لحاظ سیاسی نیز بدنبال تضعیف دولتهای ملی است. در این راهبرد، استعمارگران با پشتوانهٔ تفکر لیبرال دمکراسی، کشورهای مستقل را متهم به نقض

حقوق بشر، حمایت از تروریسم و یا خطرناک بودن برای جامعه جهانی، می‌کنند. هدف آنان از بکارگیری چنین شیوه‌ای در درجه اول انزوای سیاسی و از پای در آوردن کشور هدف در صورت عدم موفقیت، حمله نظامی و اشغال آن است. بالاخره در حوزه فرهنگ نیز رواج و گسترش فرهنگ و ارزشهای غربی به عنوان ارزشهای جهانی مطرح است. انقلاب الکترونیک، رشد سریع وسایل ارتباطی، رسانه‌های جمعی، ماهواره و اینترنت، و نیز گسترش توریسم، امکان غلبه فرهنگ غربی را بر دیگر فرهنگها فراهم می‌کند. از جمله شیوه‌های استعمار فرانوین در حوزه فرهنگ، عملیات روانی بر ضد دیگر کشورها است.^{۲۰} برخی از عملیات روانی آنان عبارت است از: انحراف افکار عمومی، متهم سازی، حمله به مقدسات، ترور شخصیت‌های مطرح، ایجاد رعب و وحشت واهی، فرهنگ سازی و سرانجام بی تفاوت کردن مردم نسبت به ارزشهای خودی. ترویج و تبلیغ اندیشه اباحیگری در کشورهای اسلامی از جمله ایران نیز جزو عملیات روانی دشمن است. آنان در این نبرد فرهنگی با مردم مسلمان ما، دین را مؤثرترین عنصر مقاوم دانسته، باور دارند که تا مردم پای بند دین اسلام و عمل کننده به شریعت آن هستند، بعید است در فرهنگ بیگانه هضم شوند. از این رو، همواره تلاش می‌کنند به گونه‌ای آموزه‌های این دین را با شک و تردید رو به رو سازند و از ارزش و اعتبار بیندازد. آن گاه که این ترفند دشمنان مؤثر افتد و مردم در مقابل بایدها و نبایدهای دینی بی تفاوت شوند، جامعه در دام اباحیگری، گرفتار می‌آید.

این تحقیق بر آن است تا برای مقابله با این گونه عوامل برون زای اباحیگری، راهکارهایی پیش کشد. بدیهی است که نوشته حاضر تنها بخشی از حقیقت را باز می‌نماید؛ اما برای مقابله با این تهاجم فرهنگی، تا حدودی قادر است به مدیریت کلان فرهنگی و نیز همه کسانی که نگران اشاعه بی بند و باری در کشور هستند، مدد رساند.

برای مقابله با این گونه عوامل دو محور متصور است:

نظری: در بخش نظری به شناخت اهداف، ابزار و روش دشمن می‌پردازیم.

عملی: در اینجا به بررسی راههای عملی با عوامل برون زای اباحیگری می‌پردازیم. قبل از شروع، تذکر این نکته ضروری است که راهکارهای ارائه شده در این بخش همچون حلقه‌های زنجیرند و هر کدام از آنها مکمل دیگری است و با اجرای تمامی آنها مقصود حاصل می‌آید و منفک کردن آنها از یکدیگر ما را از مرادمان دور می‌کند.

۱ - مرحله نظری

۱ - ۱. شناخت اهداف دشمن

ارتباط هر حکومتی با سایر حکومتها در مسیر منافع ملی و هموار ساختن راه سعادت و بهروزی مردم تحت حمایت آن حکومت است. اما نکته قابل تعمق اینکه بر اساس ایدئولوژی اسلامی تعامل کشورها با یکدیگر علاوه بر کسب منافع ملی، می‌باید از اصول انسانی و رعایت حق و عدالت برخوردار باشد. این در حالی است که ایدئولوژیهای ساخته بشری و در رأس آنها تفکر لیبرالیستی، بر اساس دو قطبی سازی جهان - استعمارگر و استعمار شده - بنا شده است. همین روحیه اومانیستی در قرن اخیر دو جنگ جهانی خانمان سوز را در پی داشت.

از این رو، اگر ما برای برخی از کشورها نام «دشمن» برمی‌گزینیم، بدان دلیل است که راهبرد ملی این کشورها بر زور و غارت ملل دیگر استوار است؛ آنچه از آن به «رابطه گرگ و میش» یاد می‌شود. آنان در روابط بین‌المللی خود تنها سعادت و رستگاری را برای خود می‌خواهند و در این راه، ظلم و جنایت و تجاوز و کشتار را در حق دیگر ملتها روا می‌دارند. این هدف بنیادی دشمن است که می‌باید آن را به خوبی شناخت. متأسفانه هنوز در جوامع اسلامی از جمله کشور ما، کسانی، که عمدتاً از میان روشنفکران غرب‌گرا هستند، در مقابل دشمن، چهره‌ای منفعل از خود نشان می‌دهند و خواستار کاهش مقاومت در برابر غرب هستند. آنان معتقدند، گوهر اصیل دین، هیچ تفایری با سکولاریزم به معنای نفی حاکمیت و عرفی شدن دین ندارد. کسانی چون علی عبدالرزاق، محمود طه، محمد آرکون و عبدالکریم سروش، از این تفکر حمایت می‌کنند.^{۲۱}

جالب آنکه، نظریه پردازان غربی، گاه خود اعتراف کرده، آشکارا اعلام می‌دارند که در پی غلبه دادن به فرهنگ غربی با مبنای تفکر لیبرالیستی بر سایر فرهنگها هستند. آنان بارها اذعان کرده‌اند که فرهنگ‌های بومی سایر ملل در مقابل فرهنگ متجدد غرب، محکوم به فنا است.^{۲۲}

به عبارت دیگر، در حالی که غربیها خود معترفند در پی تسلط بر ملل مستضعف جهان هستند، برخی عناصر داخلی، سخن از توهم توطئه بر زبان جاری می‌سازند.^{۲۳} این بدان معنا است که ما هنوز نیاز به شناساندن اهداف دشمن برای خودی‌ها داریم. با توجه به آنچه

گذشت، هوشیاری امر مقابل توطئه‌های دشمن و شناخت اهداف پیدا و پنهان آنان از اصول نخستین مبارزه با اباچیگری است.^{۲۴}

۲ - ۱. شناخت ابزار دشمن

تجربه تاریخی یک قرن اخیر ایران نشانگر آن است که دو گونه ابزار برای مروجان خارجی اباچیگری وجود دارد:

۱-۲-۱. ابزار بشری: به اعتقاد اندیشمندان اسلامی، از عصر صفوی به بعد که پای غربیان به بهانه تجارت و غیره به ایران باز شد^{۲۵} و نیز از عصر قاجار به بعد که چشم ایرانیان به بهانه ادامه تحصیل و غیره به ظاهر غرب افتاد،^{۲۶} عامل انسانی عمده‌ترین ابزار نفوذ فرهنگ بیگانه به کشور بوده است. این عامل همچنان یکی از راههای اشاعه اباچیگری تلقی می‌شود. عوامل انسانی مروج اباچیگری یا عوامل انسانی وطنی‌اند؛ مانند: روشنفکران وابسته و برخی کسان که برای تحصیل به غرب می‌روند؛ تعدادی از ایرانیان جهان گرد که برای تفریح و سیاحت از غرب بازدید می‌کنند؛ برخی تجار و بازرگانان که با غربیها داد و ستد دارند و نیز از میان مهاجران و کسانی که برای کسب و کار به آن کشورها سفر می‌کنند. برخی اقلیتهای مذهبی نیز که دین خود را هماهنگ با اهداف غرب تبلیغ می‌کنند، از این گروهند. یا عوامل انسانی غیر وطنی‌اند؛ مانند: هیئتهای سیاسی و فرهنگی غربی؛ جهانگردان غربی؛ تجار و متخصصینی که برای امور اقتصادی به ایران در رفت و آمدند و اتباع برخی کشورهای همسایه که با مرز نشینان ایرانی داد و ستد دارند. عوامل ذکر شده، قطع نظر از عمدی یا غیر عمدی بودن کارشان، همگی در یک چیز اشتراک دارند: اشاعه سبک زندگی غربی و بی بند و باری در کشور. کنترل و آموزش اتباع خودی برای سفرهای خارجی ابلاغ و تبیین آیین نامه‌های قانونی به اتباع بیگانه از جمله راهکارهایی است که توجه مسئولین ذی ربط را می‌طلبد. بدیهی است جدیت و برخورد قانونی با متخلفان لازمه اثر بخشی عملکرد مسئولین است.

۲-۲-۱. ابزار و عوامل غیر بشری: این گونه ابزار روز به روز شکل پیچیده‌تر و وسیع‌تری بخود می‌گیرند. دسترسی استعمارگران به فناوریهای برتر و همچنین توان استفاده از علوم پیشرفته در بسیاری از زمینه‌ها، به آنان این قدرت را داده تا از ابزارهای مختلفی برای تسلط بر دیگر ملل بهره‌جویند. این ابزارها گاه به شکل کالای فرهنگی عرضه می‌شوند؛ مانند ارائه روشهای آموزش علوم مختلف که با اهداف نفوذ بر فرهنگ کشورهای جهان سوم انجام می‌گیرد. استفاده از اصطلاحات غربی و ترویج رفتار و منش بیگانه از

نشانه‌های این روش است.^{۲۷} همچنین کتب، نشریات عکس و پوسته‌های غربی که برای انهدام فرهنگ ملی در سطح وسیعی چاپ و حتی گاهی به طور رایگان در کشورهای دیگر توزیع می‌شود و نیز فناوری ارتباطات؛ همانند اینترنت، ماهواره، تلویزیون، رادیو، سینما، روزنامه و غیره که از کالاهای فرهنگی هستند و حجم وسیعی از تهاجم دشمن را به خود اختصاص داده‌اند.^{۲۸}

دیگر ابزارهای غیر بشری که استکبار جهانی برای رسیدن به اهدافش از آنها استفاده می‌کند، عبارتند از: استفاده سوء از نهادهای جهانی نظیر سازمان ملل، بانک تجارت جهانی، انجمنهای خیریه و نیز بهره برداری سیاسی از شعارهایی نظیر جهانی شدن، ترویج بهداشت، رفع فقر، حقوق بشر، حقوق اقلیتها و حقوق زنان.^{۲۹} (فمینیسیم)

برخورد با این گونه ابزارهای دشمن، که وجهه جهانی دارند، بسیار سخت و دشوار است، دولت مردان باید در رویارویی با آنها از طرفی ارزشهای خودی را حفظ کنند و از طرفی به دنبال حفظ منافع ملی در سطح بین الملل باشند. بهترین گزینه علاوه بر کسب مؤلفه‌ها و عناصر مثبت در تعامل با جامعه جهانی، رشد و تکامل فرهنگ خودی و نهادینه کردن آن در جامعه است. در این صورت هم از امکانات و ابزارهای دنیای جدید سود جستیم و هم ارزشها و باورهای خودی را حفظ کرده‌ایم. به عبارت دیگر اگر اصول و تعالیم اسلام به درستی در جامعه تبیین و اجرا شود، خوفی در ارتباط با جوامع بیگانه نیست؛ چرا که در صورت ورود هر عقیده غلطی به داخل کشور به سرعت ماهیت خود را از دست داده، در فرهنگ غنی اسلام هضم خواهد شد.

۳- ۱. شناخت روش دشمن

آشنایی با روشهای مروجان خارجی اباحیگری، مقابله با این پدیده را آسان تر خواهد کرد. استعمارگران معمولاً روشهای پیدا و پنهان خود را در دو محور به کار می‌گیرند.

۱- ۳- ۱. روش‌های درون جامعه. از جمله این روشها یکی جنگ روانی است. در این شیوه، اشاعه دروغ، شایعه، تهمت، حمله به مقدسات و باورهای دینی امری رایج است. مهم ترین هدف دشمن از به کار بردن چنین روشی به چالش کشاندن ارکان مرجع و تأثیر گذار در اعتقادات مردم است. ترویج ایدئولوژی لیبرال دمکراسی و تضعیف ایدئولوژی اسلامی از دیگر روشهای نفوذ دشمن در کشور ما است. عوامل نفوذی معمولاً مهم ترین مجری چنین طرحی هستند. این عوامل با نفوذ در دستگاهها و مراکز تأثیر گذاری همچون

مطبوعات، وظیفه تبلیغ تفکرات لیبرالیستی را به عهده دارند. آمارها نشان دهنده آن است که کشورهای بیگانه به طور رسمی بودجه‌ای را برای کمک به عوامل نفوذی خود، پیش بینی می‌کنند. برخی روشهای دیگر استعمارگران عبارتند از: تبلیغ مدگرایی، ترویج مصرف زدگی و توزیع انواع مواد مخدر، که مجموع این شیوه‌ها برای منفعل کردن جامعه از حرکت و پویایی به کار می‌رود.

۲- ۳- ۱. روشهایی بین‌المللی: اعمال چنین روشهای بدان منظور است که ملتها در دراز مدت از رسیدن به خواسته‌های خود مأیوس شوند و تسلیم خواست دشمن گردند. اعمال تحریمهای اقتصادی، منزوی کردن کشورهای مستقل در سطح جهان، ادعای نقض حقوق بشر در این کشورها، محروم کردن آنها از رسیدن به علوم و فناوری پیشرفته، پشتیبانی از اپوزسیون خارج کشور، به راه‌اندازی ایستگاههای ماهواری علیه نظامهای مخالف و دهها ترفند دیگر از جمله این روشها هستند.

۲ - مرحله عملی

برخی از راهکارهای بنیادی، که جنبه کاربردی و عملی دارند، در این بخش ارائه می‌گردند:

۱- ۲. مدیریت فرهنگی واحد

اولین گام برای مقابله با هر گونه تهدید خارجی، ایجاد مدیریتی واحد برای پیشگیری و کنترل بحران است. وظیفه نخستین مدیریت فرهنگی ضمن هماهنگی میان تمامی نهادهای فرهنگی، ارائه راههای پیشگیری از بروز بحران است و اگر بحران فرهنگی رخ نمود، وظیفه برنامه ریزی جهت جلوگیری از آن را دارد. از جمله وظایف دیگر این نهاد ارزیابی بحران، نظارت و کنترل نیروهای فعال فرهنگی است. در بخش نظارت و کنترل، مدیریت فرهنگی موظف است با فعالان متساهل بخش فرهنگ برخوردی حذفی داشته باشد. مدیریت و رهبری واحد، قادر است تعریفی واحد از فرهنگ خودی و همچنین گونه‌های مختلف القائات دشمن ارائه دهد. رهبری و هدایت این نهاد فرهنگی باعث ایجاد وحدت، تحکیم وفاق و اتحاد ملی در برخورد با توطئه‌های فرهنگی خواهد شد.

در غیر این صورت باید منتظر قرائتهای مختلف و تفسیرهای خود فهم در مقابل معضل فرهنگی بود. در چنین شرایطی هر نهادی قبل از بروز بحران، داعیه اظهار نظر و متولی بودن امور فرهنگی را دارد؛ اما با بروز بحران و گسترش آن هیچ کس خود را مسئول مستقیم

ندانسته، گناه را بر دوش دیگری می‌اندازد؛ آنچه ما امروز در رابطه با مشکلات هویت جوانان، اعتیاد، طلاق، خودکشی و غیره با آن مواجه هستیم.

۲-۲. راهبرد تهاجم معناگرا به جای دفاع

بسیاری از صاحب نظران معتقدند بهترین دفاع، حمله است؛ یعنی با حمله به ارزشهای بیگانگان در واقع به نوعی از ارزشهای خودی دفاع می‌کنیم. مسلمین نباید دست روی دست گذارند و منتظر مانند تا دشمن حمله فرهنگی را علیه آنان تدارک ببیند و آن‌گاه به فکر دفاع بیفتند؛ بلکه باید خود نخست به فرهنگ بیگانه حمله برند و آنان را مجبور به عقب نشینی کنند. دین مبین اسلام به عنوان واپسین و کامل‌ترین دین الهی، از ظرفیتهای لازم برای اجرای این راهبرد برخوردار است. این دین با قابلیت بالا توان پاسخگویی به مسائل فرهنگی جوامع بشری را به خوبی دارا است. ترویج فرهنگ اسلامی اگر به شیوه صحیح و با قدرت و جدیت دنبال شود، قطعاً فرهنگهای بر ساخته ذهن بشر را محو خواهد کرد و با استقبال بسیاری از مردم جهان رو به رو می‌شود. بر اساس این نظریه، چشم انداز آینده تمدن بشری می‌بایست یک تهاجم معناگرا از سوی جهان اسلام به سوی دیگر ملل باشد. علی‌الاصول، نظریه تهاجم معناگرا، در مقابل تهاجم فرهنگی غرب و نیز نظریه گفت و گوی تمدن‌ها قرار دارد. تحقق چنین نظریه‌ای نیازمند حمله به راهبردها و زیر بناهای فکری دشمن، به چالش کشیدن او، تقویت باورهای دینی و ایمانی مسلمانان، تقویت حس اعتماد به نفس و خوداتکایی در آنان، ارتقای بینش سیاسی و انقلابی کشورهای اسلامی و سرانجام، توسعه و ترویج فرهنگ اسلامی در دیگر کشورها است.

۲-۲. ایجاد جنبش فرهنگی فراگیر

مبارزه اصولی با ابا‌حیگری وارداتی، هنگامی روی توفیق می‌بیند که در قالب یک نهضت فرهنگی به صورت فراگیر در آید و از حمایت عالمان و اندیشمندان اسلامی و سطوح بالای حاکمیت و مردم نصیب برد. ایجاد آمادگی، تبیین عقلانی دیدگاه اسلام، افشای ماهیت دشمن، آگاهی بخشی صحیح به آحاد مردم و جلوگیری از آثارشیم فکری و فرهنگی، از جمله اهداف چنین نهضتی است. به واقع، در عصر شیوع اغتشاش فرهنگی، بر پیروان راستین شریعت محمدی (ع) است که با برپایی یک جنبش قوی، اصیل و پرتوان فرهنگی و فکری اندیشه ناب، اسلام را از آسیب برداشتهای ناصواب و التقاطی همچون ابا‌حیگری برهانند.

وضعیت فعلی فرهنگی کشور می‌طلبد که نهضت فرهنگی را در دو جبهه عملیاتی کنیم: اول. جبهه مبارزه با باورهای وارداتی غلط که بی توجهی به آنها منجر به نهادینه شدنشان در

جامعه می‌شود. دوم. جبههٔ مقابله با ورود اندیشه‌های جدید دشمنان که لازم است مانع آنها شد. از مؤلفه‌های اصلی چنین نهضتی، پرورش افراد کارشناس در مسائل بنیادی اسلام و به کارگیری آنان در جای جای نظام اسلامی است. این افراد آگاه و متخصص، قادرند در هر زمان و مکانی، به عنوان پیاده نظام فرهنگی، نیازهای فکری و عقیدتی افراد پیرامون خود را بر آورند و سدی در برابر نفوذ شبهات دشمن شوند. اگر چه در حال حاضر در حوزه‌های علمیه و برخی مراکز دانشگاهی چنین کسانی به شکل سنتی پرورش می‌یابند، اما ایجاد مراکز تخصصی و آموزش هدفمند، مسیر نهضت فرهنگی را هموارتر خواهد کرد. برای تأیید این روش، می‌توان به نهضت فرهنگی امام صادق (ع) نگریست. ایشان با تربیت بیش از چهار هزار عالم دینی و اعزام برخی از آنان به اقصی نقاط بلاد اسلامی، که به عنوان نمایندگان امام معصوم (ع) فعالیت می‌کردند، توانست بسیاری از انحرافات فکری شیعیان را از میان بردارد یا پیش‌گیری فرماید. امام هادی (ع) نیز در حدیثی به اهمیت نقش اندیشه‌مندان دینی در زمان غیبت امام زمان (عج) اشاره کرده، متذکر می‌شود که اگر این کسان نباشند تا از حریم دین دفاع کنند، بندگان ضعیف خدا گرفتار القائنات شیطان می‌شوند و به پرتگاه ارتداد و بی‌دینی می‌لغزند.^{۳۰}

مؤلفهٔ دیگر نهضت فراگیر فرهنگی، اهتمام به تولیدات فرهنگی مناسب است. این تولیدات فرهنگی به خوبی قادرند جایگزین تولیدات فرهنگی غرب شوند. کتاب، نشریات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و عرصه‌های مختلف هنر، بخشی از تولیدات فرهنگی‌اند که با جهت‌دهی صحیح و غنی‌سازی محتوایی، کار جنبش فرهنگی را به پیش خواهند برد.

۴ - ۲. شروع بسترسازی فرهنگی از مراکز آموزشی

نوع آموزش و چگونگی تربیت آینده‌سازان، در آیندهٔ هر ملتی، اعم از کودکان، نوجوانان و جوانان، تأثیر مستقیم دارد. از این رو، مراکز آموزشی و علمی همواره از نقاط حساس کشورند که در معرض تهاجم دشمن قرار می‌گیرند. در این مراکز است که اساس تربیت اسلامی هر فرد مسلمان شکل گرفته، اعتقاداتش بارور و تقیدش نسبت به فرامین الهی مستحکم می‌شود. بنابراین، برای مقابله با لاقیدی می‌بایست بستر سازی فرهنگی را از مراکز آموزشی ابتدائی تا مراحل تحصیلات عالی، جدی گرفت. در این بستر سازی، سه عنصر نقش کلیدی دارند: استادان، کتب آموزشی و محیط آموزشی. اسلامی کردن هر یک از سه عنصر یاد شده، شرایطی را فراهم خواهد کرد تا علم‌جویان در هر مقطعی با محتوای تعالیم

اسلام آشنا شوند و در مقابل انحرافات فکری و اخلاقی بیمه گردند. امیرالمؤمنین علی(ع) خطاب به امام حسن مجتبی(ع) می‌فرماید:

قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس در تربیت تو شتاب کردم؛ پیش از آنکه دل تو سخت شود، و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد. ۳۱

با توجه به نشر شبهاتی که امروزه در سطح مراکز آموزشی ما مطرح است، ضروری است مسائل بنیادی اسلام در این مراکز به طور شفاف، تبیین شود. برخی از این مسائل عبارتند از:

- قوانین اسلام، کامل‌ترین قوانین برای سعادت انسانند؛
- شرط کامل ایمان، تقید به تمامی آموزه‌های دین است؛
- پیمودن راه تعالی و تکامل با اطاعت از پیشوایان دینی میسر است؛
- قرآن کتاب هدایت است؛
- دین سد راه علم آموزی نیست؛ بلکه مشوق آن است.
- عقب‌ماندگی مسلمین ناشی از سستی خود آنان و نقشه‌های شوم دشمنان است نه دین؛
- دین تنها مربوط به امور شخصی نیست؛ بلکه به اجتماع نیز نظر دارد؛
- فهم کامل آموزه‌های دینی نیاز به وجود متخصص دارد؛

۵ - ۲. راهبرد مقاومت

واپسین راهکاری که در رویارویی با عوامل برون‌زای اباحیگری پیشنهاد می‌گردد، در پیش گرفتن راهبرد مقاومت است. روحیه استقامت و بردباری در تقابل با دشمن فرهنگی، کلید فتح نهایی را به دست ما می‌دهد. چنین روحیه‌ای است که خط اصیل اسلام ناب را حفظ خواهد کرد. مقابله با دشمنان در هر عصر و زمانی با تهدید و تطمیع، تبعید و شهادت همراه است. اگر این رنجها با استقامت پشتیبانی شود، پیروزی در دسترس است. نگاه به زندگی ائمه معصوم(ع) بر ما می‌نمایاند که آنان چنین بودند و به پیروان خود دستور می‌دادند که شما نیز چنین باشید. حال، اگر عصر و دوره‌ای فرا رسد که مسئولین فرهنگی، در دفاع از کیان اسلام سستی و کاستی ورزند و یا متولیان دینی در مقابل مشکلات سر فرود آورند و استقامت نمایند، باید منتظر اشاعه بی دینی و لا اباالی‌گری در جامعه بود. به عقیده صاحب نظران، بسیاری از لغزشهای خودیها، که زمینه ساز نفوذ دشمن می‌شوند، شبهات نظری و علمی و یا اشتباه در تشخیص حق و باطل نیستند؛ بلکه ترک صحنه نبرد با دشمن برای حفظ جان و مال و نیز شهرت طلبی و دنیازدگی‌اند. ۳۲

علی (ع) در این باره می‌فرماید:

عمل کنید! عمل کنید! آن گاه به پایان رسانید و ایستادگی کنید... بدانید که آنچه از پیش مقدر شده، به وقوع پیوست و قضای محتوم الهی اندک اندک پدیدار گشت و من از وعده خدا و حجت او سخن می‌گویم. خدای متعال فرموده است: «کسانی که گفتند پروردگار ما الله است و آن گاه ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند» و شما هم گفتید: «پروردگار ما الله است» پس در عمل به کتاب او و راه آشکار فرمان او و راه درست عبادت او، ایستادگی ورزید و از آن بیرون نروید و در آن بدعت نگذارید و از آن تخلف نکنید.^{۲۳}

پی‌نوشتها:

۱. نشریه سروش، سال یازدهم، شماره ۴۷۷، ص ۱۳.
۲. برای نمونه نک: کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، بیروت، دار صعب و دارالعارف، چاپ سوم، ۱۴۰۱ ه. ق، ج ۶، ص ۲۵۶.
۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۴۷، ص ۲۸.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ه. ش، ج ۱، ص ۸۰.
۵. طبرسی، احمد بن علی بن ابی‌طالب، الاحتجاج، تعلیق سید محمدباقر خراسان، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ ه. ق، ج ۲، ص ۵۸.
۶. اعراف / ۲۰۱.
۷. انفال / ۲۹.
۸. محمدی اشتهاردی، محمد، سیره چهارده معصوم (ع)، تهران، مطهر، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ه. ش، ص ۴۳۳.
۹. محمد محمدی اشتهاردی، پیشین، ص ۶۵۱-۶۴۷.
۱۰. مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران، صدرا، بی تا، ص ۲۶.
۱۱. آل عمران / ۱۱۰.
۱۲. برای نمونه نک: شیخ صدوق، ابی جعفر محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۹۰ ه. ق، ج ۲، ص ۲۳۴.
۱۳. احزاب / ۶۸-۶۴.
۱۴. تبریزی انصاری، محمد علی، اللمعة البیضاء، تحقیق سید هاشم میلانی، نشر الهادی، چاپ اول، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه. ق، ص ۱۳۹.
۱۵. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ترجمه محمد دشتی، قم، شاکر، چاپ اول، ۱۳۷۹ ه. ش.
۱۶. ارطی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفة الانمه، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۶۸ ه. ش، ج ۱، ص ۲۶۴؛ طبرسی، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه. ق، ج ۴، ص ۴۸ و ۵۳.
۱۷. نهج البلاغه، خطبه ۹۳، پیشین.
۱۸. محمد باقر مجلسی، پیشین، ج ۴۸، ص ۲۶۳.

۱۹. نشریه قدس، گفتگو با عماد افروغ، مورخ ۲۱ و ۲۲ / ۸ / ۸۲.
۲۰. ر.ک. فرهنگ واژه‌ها، عبدالرسول بیات، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه. ش، ص ۲۵۹-۲۴۶.
۲۱. ر.ک. فیلالی انصاری، عیدو، اسلام و لائیتیس، ترجمه امیر رضائی، تهران، قصیده، ۱۳۸۰ ه. ش.
۲۲. روزنامه پرتو سخن، سال پنجم، شماره ۲۴۰، ص ۴؛ نشریه جام هفته، مقاله نفوذی‌ها در قلمرو فرهنگ کشور، نوشته موسوی، شماره ۲۱۱.
۲۳. ر.ک. زیبا کلام، صادق، ما چگونه، ما شدیم، تهران، انتشارات روزنه، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ه. ش.
۲۴. نهج البلاغه، خطبه ۳۴، پیشین.
۲۵. جعفریان، رسول، صفویه از ظهور تا زوال، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه. ش، ص ۱۳۹.
۲۶. جعفریان، رسول، ذهنیت غربی در تاریخ معاصر ما، چاپ خیام، ۱۳۶۵، ه.ش، ص ۵۹-۵۱.
۲۷. شفیعی سروستانی، اسماعیل، تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران، تهران، سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۲ ه.ش، ص ۷۲.
۲۸. افتخاری، اصغر و علی اکبر کمالی، رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه.ش، ص ۱۹۵-۱۹۰.
۲۹. روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران، عطار، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ه.ش، ص ۱۰۵-۱۰۳.
۳۰. احمد بن علی طبرسی، پیشین، ص ۲۶۰.
۳۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱، پیشین.
۳۲. حاجی صادقی، عبدالله، آسیب‌شناسی ارکان انقلاب اسلامی، قم، زمزم هدایت، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۱۴۱.
۳۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶، پیشین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی